



## تحلیل فقهی و حقوقی تلقیح مصنوعی

رضا ایمان زاده

دانشجوی کارشناسی، رشته حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

Rezaimanzadeh12@gmail.com

### چکیده

**زمینه و هدف:** در مورد وضعیت حقوقی اطفال متولد از تلقیح مصنوعی مباحث فراوانی قابل طرح و بررسی است. این در حالی است که تنها قانونی که در این مورد وضع گردیده، قانون (نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور) است که در پنج ماده تنظیم گردیده و بسیاری پرسش ها در این زمینه را بی پاسخ گذارده است.

**روش تحقیق:** روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی می باشد.

**یافته ها:** یکی از مباحث حقوقی مطرح در مورد جنین اطفالی، بحث تابعیت آن هاست.

**نتیجه:** در این مورد حکم خاصی از سوی قانونگذار نگردیده و تابعیت این اطفال را به موجب قواعد عمومی تابعیت، باید تعیین نمود. با اعمال قواعد عمومی تابعیت، در مواردی ممکن است تابعیت طفل با زوجین اهداگیرنده متفاوت باشد. این تفاوت، جامعه، طفل و زوجین اهداگیرنده را با مشکلاتی روبه رو خواهد کرد. در نهایت پیشنهاد می گردد با توجه به آزادی دولت ها در تعیین اتباع خود، قانونگذار ایران به چنین اطفالی تابعیت ایران را اعطا نماید.

**کلید واژه:** ناباروری، تلقیح مصنوعی، تابعیت، اهدای جنین



## مقدمه

یکی از اهداف مهم ازدواج، توالد و ادامه نسل بشری است. این هدف نزد افراد از چنان اهمیتی برخوردار است که در صورت عدم تحقق، زوجین به راههای مختلفی برای نیل به این خواسته فطری و بشری متوسل می‌شوند و برآورده نشدن این خواسته فطری، در مواردی ممکن است موجب تزلزل این نهاد بنیادین اجتماعی گردد. در شرایط طبیعی حدود 10 تا 15 درصد زوج‌های جوان فاقد توانایی تولید مثل هستند. تلاش متخصصان این شاخه از علم پزشکی، برای حل این مشکل سا لها ادامه داشت تا نتیجه این زحمات در قرون اخیر به کشف شیوه‌های مختلف تلقیح مصنوعی انجامید و رویای بسیاری از زوجین نابارور را تحقق بخشید. در چنین شرایطی، همگام با پیشرفت علوم مختلف و مطرح شدن مسایل جدید اجتماعی، علم حقوق نیز باید از مرزهای سنتی خارج گردیده و مسائل فراروی جامعه را نظم بخشد. در مورد اطفال متولد از تلقیح مصنوعی، مباحث حقوقی فراوانی قابل طرح و بررسی است: نسب، ارث، حضانت و... یکی از موارد مطرح در مورد چنین اطفالی، بحث تابعیت آن هاست که باید مورد مطالعه قرار گیرد. این نوشتار با مطالعه شیوه‌های مختلف تلقیح مصنوعی، به بررسی تابعیت این اطفال پرداخته و با بررسی اهداف تلقیح مصنوعی راهکارهای متناسب در این زمینه را ارائه می‌دهد.

## ۱- تلقیح مصنوعی و اقسام آن

تلقیح در لغت به معنای باردار کردن و لقاح به معنای باردار شدن است. معنای اصطلاحی تلقیح مصنوعی از معنای لغوی آن دور نشده و عبارت است از: (ترکیب اسپرم مرد با تخمک زن بدون عمل نزدیکی در داخل یا خارج از رحم به کمک وسایل پزشکی) تلقیح مصنوعی از دستاوردهای نوین علم پزشکی برای درمان ناباروری است. نازایی در تعریف علمی عبارت است از باردار نشدن زن پس از یک سال نزدیکی مستمر زوجین بدون استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری.

برای تحقق امر باروری، وجود شرایطی از سوی زوجین لازم و ضروری است:

(الف) از سوی زوج داشتن سلول جنسی سالم (اسپرم) و رساندن آن به دستگاه تولید مثل در زن کافی است.

(ب) وجود دو عامل نیز از سوی زوج لازم است: اول داشتن سلول جنسی سالم (تخمک) و دوم توانایی نگه داشتن جنین در رحم. افراد به دلیل بیماری‌های مختلف ممکن است شرایط لازم جهت امر باروری را از دست داده و در نتیجه صاحب فرزند شدن زوجین با مانع مواجه گردد. با توجه به مطالب فوق، موانع باروری زوجین می‌تواند یکی از عوامل ذیل باشد:

(الف) مرد سلول جنسی سالم نداشته باشد.

(ب) مرد سلول جنسی سالم دارد، اما قدرت رساندن آن را به سلول جنسی زن را ندارد یا این که سلول جنسی مرد قادر به نفوذ در سلول جنسی زن نیست.

(ج) زن سلول جنسی سالم نداشته باشد.

(د) زن امکان نگهداری جنین در رحم را ندارد که ممکن است به دلایل مختلفی باشد، مثل نداشتن رحم یا سایر بیماری‌هایی که این نوشتار در مقام بررسی آن نیست.

وجود هر یک از موانع فوق، برای عدم تحقق باروری کافی است؛ هر چند این عوامل مانعاً الجمع نبوده و ممکن است در یک زوج چند مورد از موانع فوق وجود داشته باشد، به عنوان مثال هیچ کدام سلول جنسی سالم نداشته باشند.

متخصصان علوم پزشکی پس از کشف موانع بارداری، اقدام به تحقیقات گسترده در جهت رفع این موانع نمودند، به این امید که آرزوی زوجین نابارور را، که داشتن فرزندی سالم است، برآورده سازند. نتایج این تلاش‌ها در قرن اخیر، به ارائه شیوه‌های درمانی متناسب با بیماری هر یک از زوجین نابارور انجامیده است.

روش‌های پیشنهادی علم نوین پزشکی عبارتست از:



الف) در مواردی که مرد قادر نیست سلول جنسی خود را به سلول جنسی زن برساند، متخصصان آزمایشگاهی (منی) را از مرد گرفته، و پس از آماده سازی، در هنگام تخمک گذاری وارد رحم زن می کنند.

ب) در مواردی که سلول جنسی مرد قادر به نفوذ در سلول جنسی زن نیست، سلول های جنسی مرد و زن گرفته شده، عمل لقاح در محیط آزمایشگاه توسط متخصصان آزمایشگاهی صورت می پذیرد و جنین حاصل را به طرق مختلف در رحم زن وارد می کنند.

ج) در مواردی که زن نمی تواند جنین را در رحم خود نگهداری کند، جنین حاصل از لقاح خارج از رحم سلول های جنسی زن و شوهر را به روش آزمایشگاهی و مصنوعی در رحم زن دیگری قرار می دهند تا جنین را برای والدین آن حمل کرده و پس از تولد به آن ها تحویل دهد.

در این روش معمولاً قراردادی بین والدین اصلی جنین و زنی که قرار است جنین را حمل کند، منعقد می گردد که به قرارداد اجاره رحم شهرت یافته است.

\*به زنی که در این نمونه قراردادها برای حمل اجیر می شود (مادر جانشین) گفته می شود.\*

د) در مواردی که زن یا شوهر یا هر دو فاقد سلول جنسی سالم برای تولید مثل هستند، دو روش برای حل مشکل ناباروری آنان پیشنهاد شده است:

## ۲- اهدای گامت

در این شیوه از طرفی که دارای سلول جنسی سالم است، سلول جنسی را گرفته و عمل لقاح با سلول جنسی بیگانه انجام شده و جنین حاصل در رحم زن قرار می گیرد.

به عنوان مثال در موردی که زن فاقد سلول جنسی سالم است، سلول جنسی مرد را گرفته، در شرایط آزمایشگاهی، عمل لقاح با سلول جنسی زن اجنبی صورت می پذیرد و جنین حاصل را در رحم همسر مرد قرار می دهند.

## ۳- اهدای جنین

در این روش زن و شوهری که مایل باشند، می توانند جنین خود را به دیگری اهدا نمایند. به این صورت که زوجینی که تمایل دارند، می توانند سلول های جنسی خود را اهدا کنند تا در محیط آزمایشگاه عمل لقاح انجام گرفته و جنین حاصل در شرایط خاص آزمایشگاهی نگهداری شود و به زوجین نابارور داوطلب که دارای شرایط قانونی باشند اهدا گردد.

روش های فوق به عنوان راهکارهای عملی درمان ناباروری در قرن اخیر به زوجین نابارور ارائه گردیده تا این زوجین نیز بتوانند از نعمت داشتن فرزندی سالم بهره مند گردند.

## ۴- بررسی فقهی و حقوقی شیوه های درمان ناباروری

با بررسی فقهی و حقوقی روش های نوین درمان ناباروری، موضع نظام حقوقی ایران در این خصوص مورد مطالعه قرار می گیرد.

### ۴-۱. بررسی فقهی

در بررسی فقهی روش های مذکور، با توجه به این که مسأله از مسائل جدید و روزاست، در کتاب و سنت حکم صریحی در مورد آن دیده نمی شود و در زمان فقهای متقدم نیز مسأله مطرح نبوده است؛ لذا بررسی فقهی آن به فقهای معاصر محول گردیده است. فقهای معاصر نیز در بررسی فقهی شیوه های مختلف تلقیح مصنوعی حکم یکسانی نداشته و مسأله اجماعی بین فقها نیست.





غالب فقها تلقیح مصنوعی سلول های جنسی زوجین را در داخل یا خارج از رحم مشروع دانسته اند. در مورد تلقیح با سلول جنسی بیگانه، اکثر فقها این عمل را نامشروع اعلام نموده اند. در مورد انتقال جنین نیز بین فقها اختلاف نظر وجود دارد و برخی این عمل را جایز دانسته و در مقابل عده ای بر عدم مشروعیت این عمل حکم کرده اند.

#### ۴-۲. بررسی حقوقی

پس از انجام آزمایش های قطعی و موفقیت آمیز اعلام شدن روش های درمانی فوق، قانونگذار ایران در سال ۱۳۸۲ش، در مورد شیوه های نوین درمان بارداری و تلقیح مصنوعی اقدام به وضع قانون نمود و قانون (نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور) را در پنج ماده به تصویب رساند و وزارت بهداشت را مکلف نمود تا به کمک وزارت دادگستری، آیین نامه اجرایی این قانون را تنظیم کند. آیین نامه مذکور در سال ۱۳۸۳ش، به تصویب هیأت وزیران رسید.

ماده یک قانون مذکور مقرر می دارد: (به موجب این قانون کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی صلاح، مجاز خواهند بود با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در این قانون نسبت به انتقال جنین های حاصل از تلقیح خارج از رحم زوج های شرعی و قانونی، پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آن ها (هر یک به تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده، اقدام کنند).

با توجه به شیوه های مختلف تلقیح مصنوعی و اختلاف نظر فقها در مورد برخی از شیوه های مذکور، قانونگذار در قانون نحوه اهدای جنین، تنها اهدای جنین از سوی زوجین شرعی و قانونی را پذیرفته و اهدای گامت را تجویز نکرده است. در مورد سایر روش های تلقیح مصنوعی (تلقیح خارج از رحم و رحم اجاره ای) قانون مذکور حکم صریحی را بیان نداشته و باید به کمک اصول حقوقی و نظریات فقهی، حکم قضیه را مشخص نمود.

در مورد لقاح مصنوعی سلول های جنسی زوج و زوجه در داخل یا خارج از رحم، قانون نحوه اهدای جنین ساکت است. مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی، با توجه به نظر غالب فقهای معاصر که قایل به جواز چنین عملی می باشند و نیز با استناد به اصل برائت، می توان شیوه درمانی مزبور را مورد پذیرش نظام حقوقی ایران دانست.

در مورد رحم اجاره ای نیز هر چند قانونگذار به صراحت اعلام موضع ننموده، اما این روش را نیز باید مورد تایید قانونگذار دانست. چرا که:

اولاً: آنچه ممکن است مورد اختلاف نظر فقها باشد، مشروعیت وارد کردن جنین در رحم زن بیگانه است و قانونگذار با پذیرش اهدای جنین در قانون نحوه اهدای جنین، این عمل را صحیح دانسته است. حال، چه تفاوت میکند بعد از تولد، طفل مسترد شود یا صاحب رحم آن را نزد خود نگه دارد. به علاوه وقتی قانون وارد کردن جنین در رحم زن بیگانه را برای اهدا پذیرفته به طریق اولی، باید موردی که وارد کردن جنین در رحم زن اجنبی بر مبنای استرداد آن به والدین اصلی باشد، مورد پذیرش قرار گیرد. ثانیاً: بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی، (قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است).

قراردادهای مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه نیز مطابق ماده ۹۷۵ قانون مدنی، قابلیت اجرا ندارد. ۵ موضوع قرارداد اجاره رحم را می توان کمک به حفظ و ادامه حیات جنین موجود دانست؛ لذا عقد مذکور با نظم عمومی و اخلاق حسنه مخالفت ندارد و به استناد ماده ۱۰ قانون مدنی با توجه به عدم منع صریح قانون، قرارداد اجاره رحم را باید صحیح و نافذ دانست.

این نتیجه را اصل صحت (ماده ۲۲۳ قانون مدنی) نیز تایید می نماید. با توجه به آنچه بیان گردید، مشکل زوجین نابارور از طریق تلقیح مصنوعی، در نظام حقوقی ایران، تنها از سه روش ذیل قابل حل می باشد:

الف) تلقیح مصنوعی سلول های جنسی زن و شوهر (در داخل یا خارج از رحم)



ب) رحم اجاره ای

ج) اهدای جنین

در مورد وضعیت حقوقی اطفال متولد از تلقیح مصنوعی مباحث فراوانی قابل طرح و بررسی است. این در حالی است که تنها قانونی که در این مورد وضع گردیده، قانون « نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور » است که در پنج ماده تنظیم گردیده و بسیاری از پرسش‌ها در این زمینه را بی پاسخ گذاشته است. یکی از مباحث حقوقی که در مورد چنین اطفالی باید مورد توجه قرار گیرد، بحث تابعیت آن هاست که در این زمینه حکم خاصی از سوی قانونگذار وضع نگردیده و در عمل ممکن است، ایجاد مشکل نماید. در ادامه به بررسی تابعیت اطفال متولد از تلقیح مصنوعی پرداخته می شود

### ۵- تابعیت

تابعیت، عبارت است از (رابطه سیاسی و معنوی که شخص را به دولت معینی مرتبط می سازد). باید دانست بحث از تابعیت تنها جنبه نظری نداشته و اتباع کشور دارای حقوق و تکالیفی هستند که وضعیت حقوقیانان را از بیگانگان متمایز و ممتاز می سازد. تابعیت در یک تقسیم بندی به دو قسم تابعیت اصلی و تابعیت اکتسابی تقسیم می شود. ۷ محور بحث در این مقاله تابعیت اصلی است.

با وجود آزادی دولت‌ها در تعیین اتباع خود، دولت‌ها برای تمیز اتباع خود از بیگانگان معیارهایی قرار داده اند که به محض وجود این شرایط در شخص، دولت تابعیت خود را بر وی تحمیل می کند. این معیارها عبارتند از:

#### الف) سیستم خون:

هرگاه طفل از والدینی متولد شود که تبعه آن دولت باشند، تابعیت دولت به طفل اعطا می شود. در مورد سیستم خون باید دانست، برخی سیستم خون را به طور مطلق پذیرفته اند و برخی سیستم خون نسبی را مورد پذیرش قرار داده اند.

#### ب) سیستم خاک:

مطابق این سیستم هر طفلی که درون مرزهای یک کشور متولد شود، با وجود سایر شرایط، تبعه آن کشور محسوب خواهد شد، خواه والدین او از اتباع آن دولت باشند یا نباشند.

#### ج) سیستم مختلط:

برخی دولت‌ها با در نظر گرفتن مزایای هر یک از دو سیستم فوق، سیستم مختلط را اختیار نموده اند و تابعیت خود را به اطفال متولد از اتباع خود و اطفال متولد در خاک خود تحمیل می کنند.

قانونگذار ایران، مقررات عام تابعیت را در کتاب دوم از جلد سوم قانون مدنی بیان نموده است. با ملاحظه بندهای مختلف ماده ۹۷۶ قانون مدنی، ۸ مشخص می گردد که سیستم مختلط، البته نه به صورت مطلق، مورد پذیرش قانونگذار ایران قرار گرفته است.

### ۶- تابعیت طفل متولد از تلقیح مصنوعی

در مورد تابعیت اطفال متولد از تلقیح مصنوعی، قانون خاصی وضع نگردیده و قانون نحوه اهدای جنین نیز در این مورد ساکت است؛ لذا باید تابعیت چنین اطفالی را با توجه به مقررات عام تابعیت مشخص نمود. برای تعیین تابعیت اطفال متولد از تلقیح مصنوعی، وضعیت اطفال متولد از هر یک از شیوه‌های مختلف مورد پذیرش و قابل اعمال در نظام حقوقی ایران به تفکیک مورد بررسی قرار داده می شود:



### ۶-۱. تلقیح مصنوعی سلول های جنسی زن وشوهر(در داخل از رحم وخارج از آن)

در این روش طفل متولد، فرزند شرعی و قانونی زوجین است، پدر و مادر او معلوم بوده و دارای وضعیت کاملاً مشابه با حالتی است که طفل به روش طبیعی از زوجین متولد شود. تابعیت این طفل مانند اطفال طبیعی، قابل تعیین است و مطابق ماده ۹۷۶ قانون مدنی می توان تابعیت او را مشخص نمود. در این مورد مشکل عملی خاصی نیز وجود ندارد. اگر طفل از پدر ایرانی یا در خاک ایران با وجود شرایط بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ ایجاد شده باشد، تبعه ایران محسوب خواهد شد.

### ۶-۲. رحم اجاره ای

در فرضی که جنین حاصل از تلقیح مصنوعی سلول های جنسی زن و شوهر، در رحم مادر جانشین قرار می گیرد تا طفل را حمل و پس از تولد به والدین او تحویل نماید، در مورد تابعیت طفل، حالات مختلفی متصور است:  
الف) پدر جنین تبعه ایران باشد: در این حالت مطابق بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، تابعیت ایران به طفل اعطا خواهد شد.  
ب) اگر طفل در ایران ایجاد شده و پدر او از اتباع دولت ایران نباشد که در این حالت چند فرض قابل تصور است:  
اول- پدر خارجی او نیز در ایران متولد شده باشد: در این صورت مطابق بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، طفل متولد، از اتباع ایران محسوب می گردد.

دوم- پدر خارجی طفل، متولد خاک ایران نباشد: در این مورد با توجه به تابعیت مادر طفل، در دو صورت ممکن است تابعیت دولت ایران به طفل اعطا گردد: یکی آن که مادر طفل، تبعه ایران باشد (بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی) و دیگر آن که مادر خارجی طفل، در خاک ایران متولد شده باشد. (بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون)

در مورد فرض اخیر، تنها مسأله قابل بررسی، این است که در ماده ۹۷۶ مراد از (مادر) چیست؟ آیا فقط شامل صاحب سلول جنسی اولیه می شود یا مادر جانشین را نیز دربر می گیرد؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت، مادر طبیعی و واقعی طفل، زنی است که به واسطه او جنین تکون یافته و اوست که مادر طبیعی طفل محسوب می شود. از لحاظ پزشکی منشأ ایجاد و پیدایش جنین سلولهای جنسی اولیه است و مادر جانشین، فقط جنین موجود را حمل می کند و در ایجاد آن نقشی ندارد.

این معنا از آیات قرآن نیز به خوبی برداشت می شود. از این جهت نمی توان مادر جانشین را مادر واقعی طفل دانست؛ بلکه صرفاً از این جهت که گوشت و خون و پوست طفل از مادر جانشین روییده شده، شاید بتوان او را مادر رضاعی طفل دانست. که در این صورت نیز مطابق ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی، قرابت رضاعی در تحصیل تابعیت موثر نخواهد بود. به علاوه، واژه (مادر) در ماده ۹۷۶ ق.م.ظهور در معنای مادر طبیعی را دارد.

### ۶-۳. اهدای جنین

قانونگذار در ماده ۱ قانون نحوه اهدای جنین، اهدای جنین به زوجین نابارور را ماده ۲ قانون مذکور شرط دار بودن تابعیت ایران را برای «و» پذیرفته و در بند زوجین اهداگیرنده مقرر داشته است. در مقابل برای زوجین اهداکننده جنین، نه در قانون مزبور و نه در آیین نامه اجرایی آن، شرط تابعیت قرار داده نشده است. در نتیجه ممکن است، جنین از سوی یک زوج بیگانه به زوجین ایرانی اهدا گردد.

پیش از ورود به بحث تابعیت طفل در صور مختلف اهدای جنین، ذکر دو نکته به عنوان مقدمه ضروری است:  
اول- در قوانین ومقررات (حتی قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور) حکم خاصی در رابطه با تابعیت چنین اطفالی وضع نگردیده و برای تعیین تابعیت این اطفال باید به قواعد عام تابعیت رجوع نمود.





دوم- برای شناسایی تابعیت طفل مطابق مقررات عام تابعیت شناخت پدر و مادر طفل الزامی است. در این خصوص باید دانست از زما نه‌ای بسیار دور تا به امروز، اساس تحقق نسب و الحاق طفل به پدر و مادر، همان انعقاد نطفه بوده و عرف زن و مردی را که طفل از سلو له‌ای جنسی آنان ایجاد شده را پدر و مادر طفل می‌دانسته است. نظر غالب فقهای معاصر نیز در مورد پدر و مادر طفل، بر وجود رابطه فرزندی میان زوجین اهداکننده و طفل استوار گردیده است. قانونگذار نیز از همین نظر عرفی تبعیت و در ماده ۳ قانون نحوه اهدای جنین، رابطه طفل با زوجین اهداگیرنده را (نظیر تکالیف اولاد و پدر و مادر) دانسته، که از واژه (نظیر) مذکور در ماده، به خوبی می‌توان فهمید که قانون، زوجین اهدا گیرنده را پدر و مادر طفل نمی‌داند و از نظر قانونگذار ایران، زوجین اهداکننده جنین، پدر و مادر واقعی طفل می‌باشند.

پس از ذکر مقدمات فوق به بررسی تابعیت جنین اهداشده در حالات مختلف پرداخته می‌شود:

### ۱-۳-۶. زوجین اهداکننده جنین یا یکی از آن‌ها تابعیت ایران را داشته باشد:

اگر زوجین اهداکننده یا پدر واقعی جنین تبعه ایران باشد، بر مبنای سیستم خون نسبی مورد پذیرش قانون مدنی (بند ۱ ماده ۹۷۶)، تابعیت ایران به طفل تحمیل می‌شود. در این حالت با توجه به لزوم تابعیت ایرانی زوجین هدی‌هگیرنده جنین (بند و ماده ۲ قانون نحوه اهدای جنین)، تابعیت طفل و زوجین اهداگیرنده یکسان می‌باشد.

اما در صورتی که پدر واقعی طفل بیگانه و مادر واقعی او از اتباع دولت ایران باشد، به شرط اینکه طفل در ایران به وجود آمده باشد، با رعایت سایر شرایط مندرج در بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، تابعیت دولت ایران به طفل اعطا خواهد طفل در ایران را برخی متولد طفل «به وجود آمدن» شد. منظور قانونگذار از در خاک ایران می‌دانند؛ چراکه زمان انعقاد نطفه معمولاً به طور دقیق مشخص نیست. به علاوه در اعطای تابعیت به جنین، آثار عملی مترتب نیست. در مقابل به خصوص در مورد جنین های حاصل از تلقیح مصنوعی باید دانست که تاریخ تلقیح و ایجاد این نوع جنین‌ها مشخص است و اعطای تابعیت به آن اثر عملی دارد. به عنوان مثال جنینی که در ایران ایجاد شده، در سفر زوجین اهداگیرنده به خارج از کشور متولد شود، اگر ملاک اعطای تابعیت را تولد در ایران بدانیم، طفل از تابعیت ایران بی‌بهره خواهد بود، اما اگر معیار را ایجاد در خاک ایران بدانیم، با وجود سایر شرایط مقرر در بند های ۴ و ۵ ماده ۹۷۶، طفل از اتباع دولت ایران محسوب می‌گردد. همچنین ظاهر از عبارت (به وجود آمدن) روز انعقاد نطفه و ایجاد جنین است. این حکم با مصلحت طفل و زوجین اهداگیرنده سازگارتر است.

### ۲-۳-۶. هیچ یک از زوجین اهداکننده از اتباع دولت ایران نباشند:

در این صورت مطابق سیستم خون نمی‌توان طفل را از اتباع دولت ایران دانست، اما با توجه به محل ایجاد طفل ممکن است بتوان تابعیت ایران را به طفل اعطا نمود. اگر طفل خارج از خاک ایران ایجاد شود، در این صورت طفل تبعه ایران نخواهد بود، مگر با شرایط مندرج در قانون به کسب تابعیت جمهوری اسلامی ایران، اقدام نماید.

اما اگر طفل در درون مرزهای کشور ایجاد شود، تنها در صورتی تابعیت ایران به طفل داده می‌شود که حداقل یکی از ابوبین خارجی او در ایران متولد شده باشند. (بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی) باید توجه داشت که با توجه به بند ۳ ماده ۹۷۶ قانون مدنی نمی‌توان چنین اطفالی را ایرانی دانست؛ چراکه اهدای جنین از سوی زوجین شرعی و قانونی مطابق ماده ۲ قانون نحوه اهدای جنین منوط به احراز هویت زوجین اهداکننده گردیده است، در نتیجه پدر و مادر واقعی این گونه اطفال معلوم بوده و مشمول بند ۳ ماده ۹۷۶ قانون مدنی نمی‌باشد. در این فرض با توجه به لزوم تابعیت ایرانی زوجین اهداگیرنده، تابعیت زوجین و طفل متفاوت خواهد بود که این اختلاف، ممکن است به بروز پیامدهای نامناسب اجتماعی منجر گردد.



## ۷- انتقاد از شیوه قانونگذاری

به طور معمول زوجینی که جنینی را هدیه می گیرند، آن را فرزند واقعی خود پنداشته و نسبت به انجام تمام تکالیف پدری و مادری در برابر طفل اقدام می نمایند. در غالب موارد، این زوجین از اهدای جنین و پدر و مادر واقعی طفل با هیچ کس سخن نگفته و این راز را حتی از خود طفل پوشیده نگه می دارند. آیین نامه قانون نحوه اهدای جنین نیز در همین راستا و با توجه به این واقعیت اجتماعی تنظیم گردیده و اطلاعات مربوط به اهدای جنین را در طبقه بندی اطلاعات، در دسته به کلی سری قرار داده است.

هدف از این امر، همکاری حاکمیت با زوجین در پوشیده نگه داشتن موضوع بوده (برای پیشگیری از بروز مشکلات است. به عقیده برخی روانشناسان نیز خانوادگی، حقوقی و اجتماعی و به حداقل رسیدن خطر بروز آشفتگی های روانی و آشفتگی هویت در فرزند اهدا شده، باید انجام این امر همراه با عدم شناخت و آگاهی طرفین از یکدیگر بوده و نیز فرزند حداقل تا زمانی که فرهنگ و آگاهی های عمومی در این زمینه به حد قابل قبولی نرسیده، از این موضوع مطلع نشود).

به همین جهت لازم است، قوانین به گونه ای تصویب شود که این رابطه مخفی هیچ گاه فاش نگردد. برای نیل به هدف مذکور لازم است به طفل تابعیت ایران اهدا گردد تا بتواند از تمام حقوق و مزایای اتباع استفاده نماید والا عدم اعطای تابعیت ایران به وی و منع طفل از تمتع از برخی حقوق و مزایای اتباع یکی از دو نتیجه ذیل را به دنبال خواهد داشت که هر دو غیر قابل پذیرش و مطرود است:

الف) عدم اعطای تابعیت به طفل و منع وی از تمتع از برخی حقوق اتباع به علت بیگانه بودن، ملازمه با کشف حقیقت داشته که موجب می گردد هدفی را که حاکمیت و زوجین نابارور برای نیل به آن سال ها کوشیده اند، عقیم بماند و مشکلات روانی و خانوادگی احتمالی بر سر راه طفل و خانواده اهداگیرنده، قرار گیرد.

ب) در برخی موارد نیز افراد و حتی دادگاه ها ممکن است با توجه به والدین حکمی (هدا گیرنده) فرد، او را تبعه ایران دانسته و قانون ایران را قانون حاکم بر روابط حقوقی فرد فرض کنند و حقوق و تکالیف اتباع را بر شخص به واقع بیگانه مترتب سازند. این مسأله به خصوص در موردی که خود طفل نیز از حقیقت بی اطلاع است، امکان اشتباه را بیشتر خواهد کرد و در موردی هم که طفل آگاه از حقیقت باشد، امکان تقلب را برای او فراهم می آورد.

## ۸- راهکار های پیشنهادی

با توجه به آنچه بیان شد، به نظر ضروری می رسد رابطه میان زوجین اهدا گیرنده با طفل پوشیده بماند و از هر مسأله ای که موجب آشکار شدن این رابطه می شود، احتراز گردد؛ لذا با توجه به تابعیت ایرانی زوجین نابارور هدی ه گیرنده (بند و ماده ۲ قانون نحوه اهدای جنین) لازم است که طفل اهدا شده به آنان، تابعیت ایران را داشته باشد که تحقق این امر به دو شیوه امکان پذیر است:

الف) با توجه به این که دولت ها در تعیین اتباع خود اصولا آزادند و می توانند با وضع قانون اتباع خود را تعیین نمایند، پیشنهاد می گردد قانونگذار ایران در جهت رفع معضل موجود، اقدام به وضع قانون نموده و تابعیت دولت ایران را به چنین اطفالی اعطا نماید.

ب) تا پیش از اقدام قانونگذار در اعطای تابعیت به این گونه اطفال، دولت می تواند به موجب آیین نامه، اهدای جنین را منحصر به زوجینی نماید که حداقل زوج (پدر جنین اهدایی) دارای تابعیت ایران باشد؛ چراکه در این صورت طفل به موجب سیستم خون نسی مورد پذیرش قانون مدنی (بند ۲ ماده ۹۷۶) حتی اگر در خارج از خاک دولت ایران متولد گردد، از اتباع دولت ایران محسوب می گردد.





## نتیجه گیری

در شرایط طبیعی حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد زوج های جوان، فاقد توانایی تولید مثل هستند. علم پزشکی در قرن اخیر شیوه های مختلف تلقیح مصنوعی را به عنوان راهکارهای عملی درمان نازایی به زوجین نابارور، ارائه نمود. قانونگذار ایران در سال ۱۳۸۲ ش.، در مورد اهدای جنین به زوجین نابارور اقدام به وضع قانون نمود و اهدای جنین را صراحتاً مورد پذیرش قرار داد. سایر روش های نوین درمانی، در قانون مذکور مسکوت مانده و حکم خاصی از سوی قانونگذار انشا نشده است. با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و مراجعه به فتاوی معتبر فقهی و نیز به کمک اصول حقوقی، می توان علاوه بر اهدای جنین به زوجین نابارور، تلقیح مصنوعی سلول های جنسی زن و شوهر (در داخل یا خارج از رحم) و اجاره رحم را در نظام حقوقی ما قابل پذیرش دانست.

در مورد اطفال متولد از تلقیح مصنوعی مباحث حقوقی گوناگونی قابل طرح است. یکی از این مسایل، تابعیت اطفال متولد از تلقیح مصنوعی است. در قانون نحوه اهدای جنین و آیین نامه اجرایی آن، نسبت به تابعیت این گونه اطفال، حکم خاصی وضع نگردیده و باید تابعیت چنین اطفالی را با مراجعه به قواعد عام تابعیت، مندرج در کتاب دوم از جلد سوم قانون مدنی، مشخص نمود. در بررسی تابعیت این اطفال باید توجه داشت که از نظر عرفی و فقهی، پدر و مادر طفل، صاحبان سلول جنسی اولیه اند و قانونگذار نیز از این نظر تبعیت کرده است.

در قانون مذکور برای زوجین اهداگیرنده جنین شرط تابعیت ایران قرار داده شده است. این در حالی است که نه در قانون مزبور و نه در آیین نامه اجرایی آن شرط تابعیت برای زوجین اهداکننده قرار داده نشده است. در نتیجه ممکن است طفل از سوی زوجین غیرایرانی به زوجین نابارور اهدا گردد.

در صورتی که طفل از سوی زوجین ایرانی یا زوجینی که حداقل زوج دارای تابعیت ایران است، به زوجین نابارور اهدا گردد، طفل مطابق سیستم خون نسب مورد پذیرش دولت ایران، دارای تابعیت ایران خواهد بود، اما اگر طفل از سوی زوجین غیر ایرانی به زوجین نابارور اهدا گردد، تنها در صورتی تابعیت ایران به طفل اعطا خواهد شد که طفل با رعایت مقررات بند ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، در خاک ایران متولد گردد و الا طفل از تابعیت ایران بی بهره خواهد بود.

در این صورت تابعیت معارض طفل با زوجین اهدا گیرنده، ممکن است به بروز مشکلات شخصی، خانوادگی و اجتماعی منجر شود. در نهایت، پیشنهاد می گردد قانونگذار در جهت احتراز از چنین مشکلاتی، تابعیت ایران را به چنین اطفالی اعطا نماید و تا پیش از این اقدام قانونگذار، دولت به موجب آیین نامه، اهدای جنین را منحصر به زوجینی نماید که حداقل زوج (پدر جنین اهدایی) دارای تابعیت ایران باشد.

## منابع

قران کریم

ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۸۳)، حقوق بی نالملل خصوصی، چاپ اول، سمت، تهران  
 ارفع نیا، بهشید (۱۳۷۶ ش.)، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، چاپ دوم، بهتاب، تهران  
 افلاطونیان، عباس؛ کریم زاده میبیدی، محمدعلی (۱۳۷۴ ش.)، باروری انسانی در انسان در شرایط طبیعی و لقاح خارج از بدن، چاپ اول، انتشارات الغدیر

بهجت، محمدتقی (۱۴۲۸ ق.)، استفتائات، جلد چهارم، چاپ اول، دفتر ایشان در قم  
 خامنه ای، سیدعلی (۱۴۲۴ ق.)، اجوبه الاستفتائات فارسی، چاپ اول، دفتر ایشان در قم، قم  
 شیخ الاسلامی، سید محسن (۱۳۸۴ ش.)، حقوق بی نالملل خصوصی، چاپ اول، کتابخانه گنج دانش، تهران  
 لنکرانی، محمدفاضل احکام پزشکان و بیماران، بی تا، دفتر ایشان در قم  
 مرادزاده رحمت آبادی، حسن (۱۳۷۹ ش.)، تلقیح مصنوعی انسان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران  
 نایب زاده، عباس (۱۳۸۰ ش.)، بررسی حقوقی رو شهای نوین باروری مصنوعی، چاپ اول، مجد، تهران



نصیری، محمد ( ۱۳۸۷ ش.)، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ هفدهم، آگاه، تهران  
نوروزی، عباس؛ رمضان زاده، فاطمه ( ۱۳۸۴ ش.)، بررسی قانون نحوه اهدای جنین، چال شها و راهکارها، چاپ اول، دانشگاه علوم پزشکی،  
تهران  
صفیری، اکرم؛ طاهرخوانی، فاطمه ( ۱۳۸۸ ش.)، نسب مادری کودک تولدیافته از اهدای جنین در حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری،  
شماره ۶۸، صفحه ۱۳۷ تا ۱۵۷  
علوی قزوینی، سیدعلی ( ۱۳۷۴ ش.)، آثار حقوقی تلقیح مصنوعی انسان، فصلنامه مفید، شماره ۳  
یزدی، محمد ( ۱۳۷۵ ش.)، باروری های مصنوعی و حکم فقهی آن، مجله فقه اهل بیت فارسی، شماره ۵  
و ۶، صفحه ۹۷ تا ۱۲۲



## Jurisprudence & Legal Analysis of Artificial Insemination

Reza Imanzadeh

Bachelor's Student, Faculty of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran  
Rezaimanzadeh12@gmail.com

### Abstract

**Background & Purpose:** There are many issues that can be raised and investigated regarding the legal status of children born from artificial insemination. This is while the only law that has been established in this case is the law (how to donate embryos to infertile couples) which is regulated in five articles and has left many questions in this field unanswered.

**Research Method:** The research method in this study is descriptive and analytical.

**Findings:** One of the legal issues raised in the case of such children is their nationality.

**Result:** In this case, there is no specific ruling from the legislator and the nationality of these children should be determined according to the general rules of nationality. By applying the general rules of nationality, in some cases, the nationality of the child may be different from that of the donor couple. This difference will cause problems for the society, the child and the donor couple. Finally, it is suggested that according to the freedom of governments in determining their nationals, the Iranian legislature should grant Iranian citizenship to such children.

**Keywords:** Infertility, Artificial Insemination, Nationality, Embryo Donation